

## تروریسم بین‌المللی از دیدگاه اسلام



تروریسم از پدیده‌های نوظهور و در عین حال، از معضلات روز جامعه جهانی و از مباحث مهم حقوق بین‌الملل و روابط بین‌المللی است. در تعریف «تروریسم» اتفاق نظری، حتی در میان خود نویسندگان و اندیشمندان غربی، وجود ندارد و تلاش سازمان‌های بین‌المللی نیز به جایی نرسیده است، جز آنکه برخی مصادیق را به عنوان اقدامات تروریستی معرفی کرده‌اند، در حالی که هرگونه موضع‌گیری متوقف بر ارائه مفهومی روشن و شفاف از «تروریسم» است. اسلام مانند هر نظام حقوقی دیگر، خشونت قانونی در قالب مجازات برای جرایم و یا دفاع مشروع را تجویز می‌کند، اما خشونت غیرقانونی و خودسرانه را ناروا دانسته و تحت عناوین گوناگون، از جمله «محاربه، فتنه، غدر و اغتیال» با آن مقابله نموده است.

نظام اسلامی علاوه بر پایبندی به معاهدات بین‌المللی در مبارزه با تروریسم، درصدد ریشه‌یابی عوامل این بزه‌کاری و برخورد با آن برآمده است. از دیدگاه اسلام، اصولاً انسان‌ها محقون‌الدم هستند؛ جانشان محترم است و تعرض به آنها برای هیچ‌کس روا نیست، مگر کسانی که بر اثر ارتکاب جرایمی مانند قتل نفس یا اهانت به انبیا و ائمه اطهار علیهم‌السلام خونشان بر اساس حکم شرعی و الهی هدر است. اما کشتن همین افراد هم به حکم قانون و علنی است و نه غافلگیرانه و خودسرانه.

**کلیدواژه‌ها: ترور، تروریسم، اسلام، حقوق بین‌الملل، امنیت، ارباب.**

### مقدمه

تروریسم بین‌المللی يك معضل جهانی است. مهم‌تر آنکه تعداد چشم‌گیری از اقدامات تروریستی علیه مسلمانان یا در داخل سرزمین‌های اسلامی و احیاناً مستند یا منتسب به آنان انجام می‌شود.

از سوی دیگر، امنیت از نیازهای اولیه زندگی اجتماعی و برخورداری از آن از آرمان‌های دیرین بشری است. کابوس وحشتناک ترس ناشی از تجاوز، ظلم و تهدید و ارباب همواره عامل ناآرامی، رکود و نومیدی انسان در زندگی جمعی بوده است. رهایی از این کابوس و احساس امنیت در برابر عواملی که آرامش زندگی و حقوق فرد و جامعه را به مخاطره می‌افکنده و زندگی و آزادی و آسایش انسان را مورد تهدید قرار می‌داده، هم وظیفه نخستین و غیرقابل انکار همه حکومت‌ها، خواه دینی و خواه سکولار است و هم نیازمند تلاش جمعی همه ملت‌ها و بلکه یکایک انبیا بشر است؛ زیرا امنیت حالتی نیست که با فعالیت فردی و یا یک‌جانبه تحقق پذیرد، بلکه در این راه تشریک مساعی افراد برای تأمین امنیت ملی و مشارکت همگانی در تأمین امنیت جهانی اجتناب‌ناپذیر است.

ترور یا ایجاد رعب و وحشت نیز از عوامل مهم تهدیدکننده امنیت در سطح بین‌المللی است. از این‌رو، مقابله با تمام عوامل سلب امنیت در هر شکل و قالبی که باشد - از جمله تروریسم - مسئولیت همگانی است؛ زیرا بی‌شک، کلیه عوامل تهدیدکننده امنیت از مصادیق «منکر»، یعنی زشتی و پلیدی و ضد ارزش، هستند و مقابله با آنها مصادق «نهی از منکر» و زمینه تحقق «معروف» خواهد بود. به همین دلیل، در این نوشتار پس از يك بحث مفهوم شناختی، دیدگاه اسلام درباره تروریسم تبیین می‌گردد.

### مفهوم «تروریسم»

«ترور» و عملیات تروریستی از پدیده‌هایی است که در زمان ما، به ویژه در حوزه حقوق و روابط بین‌المللی، درباره آن بسیار سخن گفته می‌شود، ولی همچنان مفهوم روشنی از آن در دست نیست.<sup>1</sup> این بدان دلیل است کهواژه‌های «تروریسم» (Terrorism) و «تروریست» (Terrorist) واژه‌هایی نسبتاً نوپا هستند که در جهان به شکل‌های گوناگون و احیاناً متضاد - مثلاً، به عنوان وسیله‌ای برای سرکوب علیه استقلال‌طلبی‌ها، نفی وابستگی‌ها و محرومیت‌ها، ایستادگی در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها، و قیام‌های مردمی در برابر رژیم‌های استبدادی وابسته - به کار گرفته می‌شوند و در عین حال، پوششی هستند برای شیوه‌های تهدید و اربابی که ابرقدرت‌ها برای پیشبرد سیاست‌های سلطه‌گرانه و تجاوزگرانه خود در جهان به وجود آورده‌اند.<sup>2</sup> تروریسم دولتی بیشتر نمود مورد اخیر است.

همین ابهام در مفهوم «ترور» و «تروریسم» موجب ناکامی در مبارزه جدی با آن می‌شود؛ زیرا ناکامی جامعه بین‌المللی در تعریف «تروریسم»، علنی سیاسی دارد، نه فنی. دولت‌های سرخورده و ناتوان یا آنها که قربانی جرایم اقتصادی و اجتماعی هستند یا چنین چهره‌ای از خود ترسیم می‌کنند، از گردن نهادن به تعریفی صرفاً شکلی یا مبتنی بر واقعیات از تروریسم سر باز می‌زنند. این دولت‌ها، بی‌آنکه آشکارا تروریسم را بستانند، تلویحاً آن را توجیه می‌کنند و غالباً آن را آخرین حربه ضعیف به شمار می‌آورند؛<sup>3</sup> همان‌گونه که دولت‌های سلطه‌خواه و متجاوز با سوء استفاده از قدرت و نفوذ خود در مجامع بین‌المللی و رسانه‌های جهانی، تجاوزگری را «دفاع»، و دفاع يك ملت از حق تعیین سرنوشت و حاکمیت سرزمینی خود را «ترور، خشونت و تهدید» می‌نامند؛ آنچنان‌که در برخورد اسرائیل غاصب علیه ملت مظلوم فلسطین و «حزب‌الله» لبنان صورت می‌گیرد.

### 1. مفهوم لغوی «ترور»

«ترور» در لغت، به معنای ترس و وحشت زیاد است. لغت‌نامه دهخدا، آن را مأخوذ از فرانسه و به معنای قتل سیاسی با سلاح و «تروریست» را به معنای طرفدار خشونت و عامل ایجاد رعب و ترس دانسته است.<sup>4</sup> در فرهنگ معین آمده است:

«ترور» یعنی: ترس زیاد، بیم، هراس، خوف، وحشت و در اصطلاح سیاسی، کشتن و از بین بردن مخالفان و عوامل ایجاد رعب؛ عامل ترور یعنی: طرفدار ترور، آدمکش، آن کس که برای رسیدن به هدف خود کسی را به طور غافلگیرانه بکشد یا ایجاد هراس و وحشت بکند. ترور روش کسانی است که آدم‌کشی و تهدید مردم و ایجاد خوف و وحشت را به هر طریقی که باشد برای رسیدن به هدف‌های سیاسی خود، از قبیل تغییر حکومت یا در دست گرفتن زمام امور، لازم و مباح می‌دانند.<sup>5</sup>

### 2. مفهوم اصطلاحی «ترور» در حقوق بین‌الملل

در اینجا، به برخی از تعاریف، که در آثار نویسندگان غربی از آنها یاد شده است، اشاره می‌شود، تا شاید بتوان در یک بررسی تحلیلی، به ارکان و عناصر تحلیلی آن دست یافت:

1. الگوی نظام یافته‌ای از رفتار خشونت‌آمیز که به نوعی طراحی شده است که جمعیتی مورد تهدید واقع می‌شوند و بدین‌رو، سیاست‌های دولت خاصی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.<sup>6</sup>
2. عملی نهادینه شده ولی نامتعارف که به منظور تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی معینی انجام می‌شود و با تهدید یا خشونت همراه است.<sup>7</sup>
3. ارتکاب هر عمل غیرقانونی که برای نیل به اهداف سیاسی انجام شود.<sup>8</sup>
4. استفاده از زور، خشونت یا تهدید برای کسب اهداف سیاسی از طریق ایجاد وحشت، ارباب و قوای قهریه.<sup>9</sup>
5. شاید جامع‌ترین تعریف، تعریف چریف باسیونی (M. Cherif Bassiouni) دبیرکل انجمن بین‌المللی حقوق جزا باشد. وی در تعریف «تروریسم بین‌المللی» می‌نویسد: رفتار اجباراً فردی یا دسته جمعی با به کارگیری استراتژی‌های خشونت همراه با ترور، که یک عنصر بین‌المللی را دربر گرفته یا علیه یک آماج تحت حمایت بین‌المللی است و هدف آن نیز ایجاد یک نتیجه قدرت‌طلبانه است. چنین رفتاری در موارد ذیل دربرگیرنده یک عنصر بین‌المللی است:  
نتیجه قدرت‌طلبانه نیز نتیجه‌ای است که هدف آن تغییر یا حفظ ساختارها یا خط‌مشی‌های فعال سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی یک دولت یا یک سرزمین مشخص از طریق خط‌مشی‌های اجباراً فردی است.<sup>10</sup> به نظر می‌رسد تعاریف مزبور به رغم اختلافات، در بعضی عناصر و ویژگی‌ها مشترکند: 1. رفتار اجباراً فردی و خشونت‌بار؛ مانند وارد ساختن صدمه بدنی بر دیگران، جرح و قتل، گروگان‌گیری یا نابود کردن دارایی و اموال؛ 2. ایجاد جوّ ارباب و وحشت و تهدید و سلب امنیت در سطح عمومی و نه فقط نسبت به قربانی ترور؛ 3. غیرقانونی بودن عمل، چه از سوی تروریست‌های داخلی یا شخصی و چه در تروریسم بین‌المللی از آن نظر که هنجارهای حاکم و متعارف را قبول ندارند و درصدد ایجاد اختلال در آن هستند و نیز از این نظر که قانون‌های حاکم بر مبارزه و جنگ‌های متعارف را قبول ندارند.<sup>11</sup> غافلگیرانه بودن که به تروریست‌ها فرصت می‌دهد تا زمان و مکان حمله را انتخاب کنند و به همین دلیل، غیرقابل پیش‌بینی است. 5. معمولاً به انگیزه سیاسی و برای کسب قدرت یا ساقط کردن یا تضعیف نظام سیاسی موجود صورت می‌گیرد. با وجود این، بسیاری از عملیات تروریستی به انگیزه‌های اقتصادی یا جنایت‌کارانه صورت می‌گیرند؛ مانند سرقت بانک یا مغازه‌ها و یا آدم‌کشی به قصد انتقام یا بزه‌کاری؛ 6. از دیدگاه تروریست‌ها، همه هدف هستند و هیچ‌کس در امان نیست. اهداف بدون تبعیض و تشخیص انتخاب می‌شوند. البته این منافاتی ندارد با آنکه برای شتاب بخشیدن در نیل به اهداف سیاسی و یا گسترش کمی و کیفی آثار تخریبی و ناامنی، اشخاص برجسته‌تر و یا اماکن مهم و اهداف حسّاس انتخاب شوند. با توجه به تعاریف مزبور، دو نکته حایز اهمیت است: نکته اول: تروریسم گونه‌های متفاوتی دارد. از جمله شایع‌ترین آن، تروریسم سیاسی است. تروریسم سیاسی چیزی بیش از یک عمل مجرمانه مهم و جدّی است. این عمل پیامی نیز با خود به همراه دارد؛ چون تروریسم سیاسی با توسل به تهدید یا اخاذی، خواهان جلب توجه دیگران است. در این نوع تروریسم، هرگز قربانیان مشخصی به طور تصادفی انتخاب نمی‌شوند. تروریست‌ها با انجام حملات، در اماکن عمومی مانند خیابانی شلوغ، ایستگاه قطار، فرودگاه یا فروشگاه‌های بزرگ، در پی آنند که با ایجاد جوّ گسترده وحشت عمومی، حکومت‌ها را تحت فشار قرار دهند.<sup>12</sup> نکته دوم: تلاش‌های زیادی صورت گرفته است تا تعریف مشخصی را که مورد قبول همه باشد از تروریسم ارائه کنند، ولی متأسفانه توفیق چندانی حاصل نشده است. کنوانسیون استراسبورگ، مورّخ 27 ژانویه 1977 در تعریف «تروریسم» به موفقیت دست یافت، ولی این کنوانسیون حاوی تعریف مشخصی از «تروریسم» نیست. با وجود این، در بخش اول آن، فهرستی از اعمال تروریستی ارائه شده است؛ مانند آدم‌ربایی، گروگان‌گیری و هواپیما‌ربایی.<sup>13</sup> بنابراین، هیچ تعریف عام و پذیرفته شده‌ای از اقدام تروریستی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد. تعاریف موجود یا از لحاظ دامنه به گونه‌ای خاص محدود می‌گردند یا تنها معدودی از دولت‌ها آنها را پذیرفته‌اند و از پشتیبانی نظری و مقابله عملی جهانی و گسترده برخوردار نیستند.<sup>14</sup> **مفهوم «ترور» در فقه و حقوق اسلام** فرهنگ اسلامی به طور عام، و در فقه و حقوق اسلامی به طور خاص، واژه «ترور» به کار نرفته، بلکه این واژه در کاربرد لغوی و اصطلاحی آن، وارداتی است. چنان‌که ادعا شد، «در مکتب اسلام، چیزی به نام تروریسم وجود ندارد و تروریسم به عنوان یک مکتب، اولین بار در اروپا شکل گرفته است.»<sup>15</sup> برخی اندیشمندان مسلمان با نزدیک دانستن معنای «تروریسم» به تهدید و ارباب، معتقدند: ترور عبارت است از: هر نوع عملی که به منظور اهداف غیر انسانی و در جهت فساد و متضمن به خطر افکندن امنیت و ایجاد زمینه تعرّض و محدودیت در مورد حقوق مشروع بشری و موجب سلب آرامش گردد.<sup>16</sup> تهدید و ارباب به این معنا می‌تواند در قالب‌های متفاوتی نمود پیدا کند؛ از جمله در شکل تولید سلاح‌های مخوف هسته‌ای، میکروبی، استراتژی‌های جنون‌آمیزی همچون جنگ ستارگان، پیمان‌های نظامی،<sup>17</sup> ایجاد رژیم‌های بی‌ریشه و سرکوبگر مانند رژیم غاصب اسرائیل که نه تنها منطقه خاورمیانه، بلکه سراسر جهان از فتنه و فساد آن در امان نیست و فاجعه «فانا» در لبنان، «دیر یاسین»، «صبرا» و «شتیلا» در فلسطین جلوه‌های بارزی از اقدامات تروریستی هستند و متأسفانه با سکوت و احیاناً رضایت و بلکه حمایت دولت‌های غربی مدّعی مبارزه با تروریسم، جهان را تا حدّ یک جنگ تمام عیار در مقیاس جنگ جهانی مورد تهدید قرار داده‌اند و با اشغال و تجاوز به حاکمیت سرزمینی عراق و افغانستان، به نام مبارزه با تروریست‌هایی مانند «القاعده» و «طالبان» و حزب «بعث» عراق، که ساخته و پرداخته خودشان بوده‌اند، اقدامات جنایت‌کارانه و تروریستی انجام داده و از تمام منطقه خاورمیانه، بلکه جهان و حتی از مردمان خود نیز، آسایش و امنیت را سلب کرده‌اند. امروزه «تروریسم» در رسانه‌های غربی بدون توجه به ریشه‌ها، و تمایز بین اهداف، به اعمال خشونت‌باری گفته می‌شود که از سوی گروه‌ها یا اشخاص انجام می‌شود. با این تفسیر، اقدامات تروریستی شامل عملیاتی می‌شود که ملت‌های ستم‌دیده فلسطین، افغانستان، عراق یا جمهوری اسلامی ایران و یا سایر مبارزان و آزادگان و مظلومان جهان در جهت رهایی و به دست آوردن حقوق پایمال شده خود، به دلیل به بن‌بست رسیدن همه راه‌های نتیجه‌بخش دیگر انجام می‌دهند و در حقیقت، نوعی اقدام دفاعی (دفاع مشروع) در شرایط ویژه و با امکانات خاص برای متوقف کردن دشمنان، و تنها راه رهایی از ستمگری و تجاوز اشغالگران است که آن را «ترور» می‌نامند.<sup>18</sup> گروگان‌گیری یا «عملیات استشهادهی» نمونه‌ای از آن است. جالب توجه است که اولین هواپیما‌ربایی در جهان توسط اسرائیل غاصب در دسامبر 1945 انجام گرفت و مزدوران آمریکا در سراسر جهان، آدم‌ربایی و ترور را در سطح گسترده‌ای شیوه کار خود برای ایجاد جوّ رعب و وحشت قرار داده‌اند؛<sup>19</sup> چنان‌که وزرای قانونی و نمایندگان منتخب مردم در مجلس فلسطین را دستگیر کردند، به محل‌های ناامن بردند و تحت شکنجه و آزار قرار دادند و بدون هیچ ترس و واهمه‌ای در تریبون عام می‌گویند: سید حسن نصرالله، دبیرکل «حزب‌الله لبنان» را ترور می‌کنیم. این همان «تروریسم دولتی» است که از سوی دولت‌های مدّعی مبارزه با تروریسم و خشونت حمایت می‌شود. عده‌ای دیگر با تعریف «ترور» به ایجاد ترس و وحشت، می‌گویند: «تروریست» کسی است که دست به سلاح می‌برد تا در جامعه ایجاد رعب و وحشت کند. از این‌رو، در اصطلاح فقهی «ترور» را مترادف با مفهوم «محاربه» می‌دانند. *آیه‌الله هاشمی شاهرودی* با ایجاد تمایز بین دفاع (مشروع) از خود و حاکمیت سرزمینی می‌گویند: جایی که یک حکومت غاصب حق ملّتی را غصب کرده باشد، اگر افراد صاحب آن سرزمین در گرفتن حق خود، مجبور به نوعی محاربه (یعنی مبارزه) باشند، این امر محاربه محسوب نمی‌شود، بلکه دفع افساد است.... «ترور» در فقه اسلامی، بیشتر تحت عنوان «محاربه» قابل بحث است؛ چون عنصر اصلی آن ایجاد مرگ و رعب و بر هم زدن امنیت مردم بی‌گناه است و در سیستم قضایی، هر جرم اینچنینی، که به صورت مسلحانه باشد، محاربه سازمان‌دهی شده و «تروریسم» است.<sup>20</sup> البته ایشان نکته‌ای را گوشزد می‌کنند که برخاسته از قرآن است و آن اینکه دفاع مشروع نیز دارای حد و مرز است و اگر بیش از اندازه دفاع باشد، تجاوز از دفاع

مشروع است؛ 21 چنان که خدای متعال می‌فرماید: «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا» (بقره: 190)؛ یعنی حتی با کسانی هم که با شما نبرد می‌کنند نباید در مقام دفاع و مقابله، به بیش از اندازه دفاع اقدام کرد. تجاوز حتی به دشمن نیز ناصواب و نارواست، جز آنچه به منظور پیش‌گیری از تجاوز باشد که آن هم اقدامی است با ماهیت دفاعی نه تجاوزگری. 22 از لحاظ حقوقی نیز روشن است که هم در داخل یک کشور و هم در سطح بین‌المللی، اعمال تروریستی، خواه ناخواه به عنوان یکی از جرایم علیه اشخاص، اموال، امنیت داخلی و خارجی و آسایش عمومی مطرح می‌شوند. البته در این خصوص، دو رویکرد حقوقی وجود دارد: 1. برخی کشورها با توجه به عناوین پیش‌بینی شده در قوانین کیفری، مفهوم «تروریسم» را مفهومی جدید نمی‌دانند؛ مانند آلمان و سوئد. 2. برخی دیگر از کشورها برای مفهوم «تروریسم»، همگام با کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین داخلی، یک سیاست جنایی تقنینی در قبال تروریسم اتخاذ می‌کنند؛ مانند فرانسه. در این رویکرد، تروریسم یک جرم جدید محسوب می‌شود. 23 اما همان‌گونه که گفته شد، در فرهنگ و ادبیات حقوقی و سیاسی اسلام، این واژه سابقه‌ای ندارد، ولی اگر بتوان عناصر تحلیلی آن را به دست آورد، چه بسا تحت عنوان «مبارزه»، «ارهاب»، «تهدید و اعمال خشونت»، «فتنک»، «اغتیال و غیله» قابل مطالعه و بررسی باشد. با وجود این، باید توجه داشت که برخی مفاهیم ممکن است انطباق بیشتری با ترور و تروریسم داشته باشند؛ مانند مبارزه و افساد فی الارض؛ ولی برخی دیگر اخص یا اعم یا عام و خاص من وجه هستند. در برخی موارد، بر همدیگر انطباق پیدا می‌کنند و در موارد دیگر متفاوتند. از این رو، نمی‌توان احکام آن عناوین و موضوعات را به ترور و تروریسم سرایت داد. پس باز هم باید با دقت بیشتر، درصدد یافتن معنای نزدیک‌تر و مورد اتفاق یا با اشتراک بیشتر ارکان و عناصر سازنده ترور از دیدگاه اندیشمندان مسلمان باشیم. در ماده اول کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی، در مقابله با تروریسم بین‌المللی آمده است: «تروریسم» شامل هرگونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدیدکننده است که صرف‌نظر از مقاصد یا انگیزه مرتکبین آن، به منظور اجرای یک طرح جنایت‌کارانه فردی یا گروهی و با هدف ایجاد رعب بین مردم یا تهدید آنان به وارد آوردن صدمه به آنان و به خطر انداختن یکی از منابع ملی یا تأسیسات بین‌المللی، یا تهدید کردن ثبات، تمامیت ارضی، وحدت سیاسی یا حاکمیت کشورهای مستقل انجام گیرد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در فرهنگ اسلامی نیز تروریسم با بار منفی، در برگزیده عناصر ذیل است: به همین دلیل، یکی از استادان برجسته حقوق بین‌الملل در همایش «تروریسم دفاع مشروع از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل» با تفکیک «تروریسم» از «مبارزات آزادی‌بخش» می‌گوید: مبارزات آزادی‌بخش تابع حقوق درگیری‌های مسلحانه است. مبارزاتی که هدف آن خاتمه بخشیدن به سلطه استعمار، اشغال بیگانه و برچیدن نظام‌های نژادپرست است، مشمول مقررات پروتکل الحاقی یک تا چهار کنوانسیون ژنو می‌باشد. در این پروتکل، با اشاره به رعایت اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی، از هرگونه اقدام خشونت‌آمیز، که هدف آن ایجاد رعب و وحشت در میان غیرنظامیان و حملات غیرتبعیض‌آمیز است، منع شده است. 25 به همین دلیل، وقتی جوّ ارباب و تهدید امکان هر نوع دست‌رسی به حقوق قانونی از طریق مسالمت‌آمیز را از محرومان ستم‌کشیده می‌گیرد و زندگی را در همه ابعادش بر آنها تنگ می‌کند و جز تسلیم یا مبارزه و مرگ راهی به روی آنها باز نمی‌گذارد، چه انتظاری می‌توان داشت؟ مگر ابرقدرت‌ها برای حفظ منافع - به اصطلاح - ملی و یا حتی امنیت جهانی و صدور دموکراسی و دفاع از حقوق بشر و پیشبرد سیاست‌های تجاوزکارانه و سلطه‌خواهانه خود، راهی جز خشونت و ایجاد جوّ تهدید و ارباب‌برگزیده‌اند؟! آیا اعمال خشونت‌آمیز، فریاد ملت‌های در بند و مظلوم و حق‌باخته نیست؟ آیا این اعمال، دادخواهی علیه سیاست‌های تجاوزکارانه و نوعی اقدام دفاعی محسوب نمی‌شود؟ آیا این اعمال و نظایر آن، مانند عملیات استشهادی مبارزان مسلمان در لبنان و فلسطین و عراق، تنها راه مبارزه برای آزادسازی ملت‌ها و سرزمین‌ها نیست؟ با ملاحظه آنچه گذشت، می‌توان درباره تعریف «تروریسم» با *اشلاگهک* (schlaghek) همصدا شد. او با اشاره به اینکه از سوی نویسندگان و محققان، تاکنون قریب یکصد تعریف از «تروریسم» ارائه شده ولی هنوز توافقی بر تعریف مشخصی وجود ندارد، سعی کرده است عناصر مشترک در میان همه تعاریف را بیان کند. به اعتقاد وی، این عناصر عبارتند از: **دیدگاه اسلام درباره تروریسم** همان‌گونه که ملاحظه شد، نه در حقوق بین‌الملل معاصر و نه در فقه و فرهنگ اسلامی، تعریف واحد و مورد اتفاقی از «ترور» و «تروریسم» ارائه نشده است. با وجود این، به لحاظ اشتراک نظر در بعضی عناصر و ارکان این موضوع، در یک نگاه کلی و با صرف‌نظر از مصادیق و برخی جزئیات، بار منفی آن غیرقابل انکار است. اما برای بررسی دقیق‌تر دیدگاه اسلام در این باره، مراجعه به اصول کلی اسلام مرتبط با این موضوع و نیز عناوین نزدیک به این مفهوم ضروری است: 1. **دعوت اسلام به صلح و امنیت** اسلام دین صلح و امنیت است. 27 و پیامبر آن «رحمة للعالمین»؛ 28 گسترش اسلام و وفاداری به آن نیز تا حدّ زیادی رهن اخلاق نرم، پر گذشت و اغماض، و مهربانانه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. 29 اسلام نه تروریسم را قبول دارد و نه به کسی اجازه عملیات تروریستی می‌دهد. به عبارت دیگر، تروریسم با مشخصاتی که بیان شد، در اسلام نه تنها مورد تأیید نیست، بلکه یک جرم بزرگ و از گناهان کبیره‌ای است که در دنیا و آخرت مجازات شدیدی برای آن تعیین شده است. پس اسلام با تروریسم مقابله می‌کند، ولی نه مانند مکاتبی که در یک رویکرد بک‌سونگرانه - آنجا که علیه آنها یا منافع نامشروعشان باشد - تروریسم را محکوم می‌کنند، اما برای دست‌یابی به اهداف و منافع خود، دست به هر اقدام تروریستی می‌زنند و در عمل یا به بهانه یا تحت پوشش عناوین خودساخته و خلاف واقع، آن را جایز می‌دانند. البته گاهی برخی آموزه‌های اسلامی خوب فهمیده نشده‌اند و یا برخی گروه‌های متحجر مانند «وهابیان» و در قالب «طالبان» یا اشکال دیگر، با استفاده ابراری از دین و آموزه‌های آن و در حقیقت، تنها با عاریه گرفتن نام دین، اقداماتی کرده‌اند که زمینه‌ساز سوء تفاهم یا تبلیغات نادرست علیه اسلام گشته است. اسلام هیچ وقت قبول نداشته، بلکه حتی راضی هم نبوده است که بی‌گناهی کشته شود. اسلام دین حقیقت است و خداوند به امنیت و سلامتی دعوت می‌کند: «وَ اللَّهُ يَدْعُو إِلَيَّ دَارَ السَّلَامِ» (یونس: 25)، آن هم امنیت جاوید و سلامت ابدی: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ يَمَا صَبَرْتُمْ قِيَعَمَ غُفَيِّ الدَّارِ». (رعد: 24) هم نحوه دعوت الهی با روش معروف و منطقی و به نیکوترین شیوه است: «ادْعُ إِلَيَّ سَبِيلَ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ يَالْتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (نحل: 125) و هم در روابط بین‌المللی اسلام اصل همزیستی مسالمت‌آمیز حکمفرماست؛ چنان‌که خدای متعال می‌فرماید: «لَا يَهْدِيكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوا فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُواكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.» (ممتحنه: 8) پس نه تنها به سبب یا کفاری که در دین با ما مبارزه نمی‌کنند و یا مسلمانان را از سرزمین خود آواره نمی‌کنند، دستور نمی‌دهد، بلکه ما را از نیکی کردن به آنان، بلکه به عدالت رفتار کردن با آنان منع نمی‌نماید. این پیش‌دستی دین اسلام در زمان اوج اقتدار است که از کفار که در اقلیت بودند می‌خواهد که بر اساس توحید و کلمه واحد جمع شوند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ.» (آلعمران: 64) از دیدگاه اسلام، امنیت بالاترین نویدی است که به جامعه برین در راه ایمان و عمل صالح داده می‌شود و نیز بالاترین سطح ارتقا و تعالی بشر است: «وَ لِيُذَيِّلَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور: 55) و تأمین امنیت عمومی برای همه شهروندان، خواه مسلمان یا غیرمسلمان، از وظایف اولیه همه حکومت‌هاست و چنانچه برای یکی از شهروندان حکومت اسلامی، حتی اگر یهودی باشد یا مسیحی، به نحوی نامنی ایجاد شود، رهبر عالی و فرمانده کل قوا آنقدر ناراحت می‌شود که می‌گوید: اگر من علی یا هر انسان آزاده دیگری این خبر را بشنود و از تأسف جان دهد، جا دارد. 302. **اقدامات اسلام در مبارزه با تروریسم** نگرش اسلامی، انسان حامل استعداد خلافت الهی است. 31 و چنانچه در پرتو هدایت انبیا و مجاهدت خود، این استعدادها را شکوفا سازد، به مقام شامخ خلافت الهی می‌رسد و بدان فعلیت می‌بخشد. 32 به همین دلیل، خدای متعال آدمیان را کرامت ذاتی عنایت فرمود: «وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ قَضَيْنَا لَهُمْ عَظِي كَبِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْصِيلاً.» (اسراء: 70) لازمه چنین کرامتی، امنیت جان و مال و سایر داشته‌ها و متعلقات انسان است که حفظ آنها و عدم تعرض به آنها را بر دیگران واجب می‌سازد. 33 مسلمانان در روی زمین موظف به حفظ امنیت، جان، مال، ناموس، شرافت، عقل و ایمان یکایک بشر هستند و کسی نمی‌تواند از راه نامشروع، امنیت آنان را مورد تجاوز قرار دهد. اسلام حتی در زمان جنگ نیز جان مردمی‌راکه به مقابله برنخاسته‌اند (زنان، مردان، پیران،

کودکان، عابدان و عبادتگاه‌ها) محفوظ داشته و تعرض به آنان را روانی دارد. 34 از جمله راه کارهای اسلام برای حفظ کرامت انسان، مبارزه با عوامل ناامنی و سلب آسایش انسان است. گرچه در فقه اسلامی، واژه «تروریسم» وجود ندارد، اما آموزه‌هایی در شریعت اسلامی وجود دارند که بیان‌کننده نگرش اسلام درباره نفی مشروعیت تروریسم، بلکه مبارزه با آن هستند. مجموعه اقداماتی که در مقابله با تروریسم می‌توان از آنها یاد کرد، آموزه‌هایی همچون مبارزه با «محرابه»، «فتک»، «اعتیال» و «غدر» است. علاوه بر آن، از اصول کلی و مسلم اسلامی، پایبندی به تعهدات بین‌المللی مشروع و حمایت و پشتیبانی حکومت‌های اسلامی از معاهدات مربوط به مبارزه با تروریسم است که در این مجال به اختصار، به آنها اشاره می‌شود: الف. مبارزه با محاربهدر فقه سیاسی، سلاح برکشیدن و سلب امنیت و آسایش از مردمان با ایجاد خوف و وحشت، از جرایم مهمی است که مستوجب حد است. محاربه یکی از اعمال تهدیدآمیز است که مرتکب آن مستحق اعدام است و در قرآن کریم، خدای متعال دستور برخورد قاطعانه با آن را داده است: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ حِزْبٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ.» (مائده: 33) در این آیه، که مجازات شدید اعدام و تعبد برای محارب مشخص شده، موضوع و هدف ارباب و تهدید به صراحت ذکر شده و بجز کیفر دنیایی، وعده مجازات دردناک‌تر اخروی نیز داده شده است. فقها و اندیشمندان اسلامی، تعاریف گوناگونی برای محاربه ذکر نموده‌اند که عناصر اساسی مشترک آنها همان چیزی است که امروزه از آن به «ترور» نام می‌برند و عبارتند از: 1. سلاح کشیدن و توسل به خشونت غیر قانونی (عنصر مادی جرم)؛ 2. به انگیزه ایجاد رعب و وحشت در مردم (عنصر مادی جرم) و براندازی نظام و حکومت یا اختلال در آن. شیخ طوسی در تعریف «محارب» می‌گوید: «محارب» کسی است که سلاح برکشد و از تبه‌کاران باشد، خواه در شهر باشد یا خارج از شهر، در سرزمین‌های اسلامی باشد یا غیر اسلامی، در شب باشد یا روز. 35 حضرت امام خمینی قدس سره نیز در تعریفی مشابه آن می‌فرماید: محارب آن کسی است که سلاح بکشد و او آن سلاح را برای ترساندن مردم آماده کرده باشد و قصد او ایجاد فساد در زمین باشد، خواه عمل او در خشکی باشد یا در دریا، در شهر باشد یا بیرون از شهر، شب باشد یا روز. 36 همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این هنجارشکنی و سلاح برکشیدن اختصاص به بلاد اسلامی ندارد. در کلام شیخ طوسی به صراحت آمده است: «فی بلاد شرک کان او فی بلاد الاسلام.» پس ایجاد جو ترس و رعب و سلاح برکشیدن و سلب آسایش و امنیت، حتی در سرزمین‌های شرک، نیز در تعریف «محارب» می‌گنجد. در کلام امام خمینی قدس سره نیز از اطلاق سخن چنین استفاده می‌شود؛ زیرا ایشان سلاح کشیدن را مختص بلاد اسلامی ندانسته‌اند، بلکه قصد ایجاد فساد در زمین، و نه لزوماً در سرزمین‌های اسلامی، را ملاک جرم «محارب» دانسته‌اند. عنوان «محرابه» در فقه اسلامی، بسیاری از مصادیق جرم‌های تروریستی مانند هواپیما ربای، گروگان‌گیری، غارتگری، آدم‌ربایی یا بمب‌گذاری و کشتار انسان‌های بی‌گناه را دربر می‌گیرد. در عین حال، صرفاً اقداماتی را شامل می‌شود که به قصد ایجاد فساد و به انگیزه‌های نامشروع باشد؛ چنان‌که در آیه شریفه، محاربه را در کنار «افساد فی الارض» ذکر نموده است و در کلام فقها نیز بدان تصریح شده است؛ چنان‌که شیخ طوسی محارب را تبه‌کاری می‌داند که سلاح برکشد. 37 حضرت امام خمینی قدس سره نیز سلاح برکشیدن را که به قصد فساد و تبه‌کاری در زمین باشد، «محرابه» می‌داند. 38 بنابراین، اگر در دفاع مشروع، تنها راه متوقف کردن دشمن متجاوز، به ناچار و از روی اضطرار ناشی از نداشتن سلاح مناسب در برابر دشمن متجاوز است که تا دندان مسلح است، دست به برخی اقدامات خشونت‌بار بزند، قطعاً نباید آن اقدامات را تروریستی نامید. قرآن کریم در مجازات عاملان ترس و وحشت در جوامع بشری، تا آنجا پیش می‌رود که آنان را شایسته بهره‌وری از امنیت، که خود دشمن آن هستند، نمی‌داند و مقابله به مثل با آنان را تجویز می‌کند؛ زیرا آنها دشمن بشریت هستند و لیاقت برخورداری از امنیت را ندارند؛ چراکه امنیت آنان به معنای ناامنی گسترده و همیشگی برای دیگران است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال: 61)؛ خود را آماده کنید تا آنجا که می‌توانید از نیروها بهره بگیرید تا دشمنان خدا و دشمنان خود را بترسانید که علیه شما و خدا دست به تهدید و تهاجم زنند. فقها خون کسی که جان دیگری را تهدید کرده، مباح می‌دانند و تعرض به امنیت خانه همسایه را، حتی به سبب نگاه کردن، مجوز دفاع، تا حد جرح و یا حتی کشتن فرد متعرض دانسته‌اند. 39 در اسلام، مسئولیت مقابله با تهدید و ارباب وظیفه‌ای همگانی و واجب کفایی است که همه باید یکدست در برابر عوامل تهدید و ارباب بایستند و از مظلوم دفاع کنند و خصم ظالم باشند. 40 سخن مشهور امام علی علیه‌السلام به امام حسن و امام حسین علیهما‌السلام، که بر تارک عالم می‌درخشد: «کونا للظالم خصما و للمظلوم عونا» 41 دلیل روشنی بر اهمیت تهدیدزدایی از جامعه بشری است؛ چه اینکه در سخن آن حضرت، ستمگر و ستم‌دیده به طور مطلق آمده است و این ختم‌شده کلی در سیاست علوی است که «همواره دشمن ظالم و یاور و پشتیبان مظلوم باشید» و مفهوم آن، این است که حتی اگر ظالم، مسلمان و مظلوم و بی‌گناه خارج از اسلام باشد، در هر حال، وظیفه مسلمان ایستادن در کنار مظلوم و یاری او علیه ستمگر است. خاموش کردن فتنه یکی از اهداف دفاع مشروع جهاد اسلامی است و فتنه بنا بر برخی تفاسیر، به معنای تهدید و ارباب است. از این رو، تأکید قرآن کریم بر «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» (بقره: 193) بدین‌روست که بجنبند تا ریشه ارباب و تهدید از جهان کنده شود و چنان‌که در برخی روایات یا سخنان مفسران «فتنه» به شرک تفسیر شده از باب آن است که پلیدی در اعتقاد، زمینه‌ساز پلیدی در عمل است و شرک پلیدترین اعتقاد و از بارزترین مصادیق فتنه اعتقادی است. چگونه اسلام می‌تواند با کشتن انسان‌های بی‌گناه و اقدامات تروریستی، که منجر به قتل نفس می‌شود، موافق باشد و یا بدان رضایت دهد، و حال آنکه پروردگار متعال با صراحت می‌فرماید: هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل نفس (به قصد قصاص) یا فساد در زمین (به قصد مجازات مفسد فی‌الارض) بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته است و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد (او را زنده کند) چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است؟ 42 در این آیه، قتل در دو مورد مشروع دانسته شده است: 1. از روی قصاص؛ 2. ایجاد فساد در زمین. ترور، که سلب امنیت و آسایش از مردم به انگیزه‌های سیاسی و خشونت غیر قانونی است، خود فساد فی‌الارض است، نه مقابله با فساد و خون‌ریزی. چگونه اسلام می‌تواند با ارباب و ترس و ترور موافق باشد، در حالی که امیرالمومنین علیه‌السلام در سفارش به مأمور جمع‌آوری زکات فرمودند: «هیچ چهارپایی را زنده و نترسان»؟ 43 وقتی ترساندن و ایجاد وحشت برای حیوانات در حد زدن آنان جایز نباشد، قطعاً به دلالت اولویت، ترساندن و ارباب انسان‌ها مخالف دستور ایشان و نارواست. ب. نکوهش فتکدر آموزه‌های اسلامی، بر اساس روایات، «فتک» مورد نکوهش و منع قرار گرفته است. «فتک» در لغت، به معنای کشتن یا مجروح کردن بی‌گناه است به خواسته نفس و با انگیزه‌های مادی و شخصی که با بی‌پروایی و تهاجر و یا به صورت غافلگیرانه انجام شود. 44 بنابراین، واژه «فتک» در نظر علمای لغت، دارای ارکان و مؤلفاتی است: الف. اقدامی است از روی میل و خواست نفسانی و نه بر مبنای قاعده و قانون. 45 ب. عملی است خودسرانه؛ 46 از این رو، در برخی روایات، برای قتل مهدورالدم اذن امام شرط دانسته شده است. ج. در فتک، اغراض شخصی نیز دخالت دارد. د. همراه با لجاجت و پافشاری است. ه. جرئت داشتن و جری بودن نیز در معنای آن نهفته است. در این صورت، «فتک» کسی است که پروایی نسبت به عمل خود ندارد و خود را در برابر آن مسئول نمی‌داند. از این رو، برای او مهم نیست که در برابر اعمالش حجتی دارد یا نه. به همین دلیل، هر شخص بی‌باکی که به کارهای بزرگ دست می‌زند، در لغت، «فتک» نامیده می‌شود. و. غافل‌گیری و وقوع قتل در غیر رویارویی جنگی. 47 بنابراین، «فتک» یعنی کشتن یا مجروح ساختن خودسرانه بی‌گناه بدون مجوز شرعی، به خواست نفس یا انگیزه‌های مادی یا شخصی، همراه با بی‌پروایی و تهاجر به صورت غافلگیرانه. فتک یا گروه فتک کسانی هستند که خودسرانه و بدون ضابطه برای دست‌یابی به منافع شخصی یا گروهی، انسان‌های بی‌گناه را غافل‌گیرانه و ناجوان‌مردانه مورد حمله قرار می‌دهند که در ادبیات سیاسی امروز، از آن به «ترور» و «تروریست» تعبیر می‌شود. در جاهلیت پیش از اسلام، زورگیری و فتک رواج داشت. در عصر جاهلی، باغیان و زورگویان برای رسیدن به اهداف مادی و ناچیز خود، انسان‌های بی‌گناه را مورد

هجوم فرار می‌دادند. اما اسلام، که دین قانونمداری و عدالت‌خواهی و انتظام امور بر اساس شریعت الهی و منطبق بر سرشت پاک بشری است، این عمل زشت را ممنوع کرد؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در این‌باره فرمودند: «الامان قید الفتك»؛<sup>48</sup> امان دادن، ترور را محدود ساخته است. شریف رضی در ذیل این حدیث می‌نویسد: این سخن استعاره است. مراد از آن، این است که مؤمن به دلیل ایمانش، خون محترم را به خاطر تعصب و ست‌های جاهلی بر زمین نمی‌ریزد. پس ایمان او ترور و آدم‌کشی او را مقید می‌سازد و او را حفظ می‌کند.<sup>49</sup> از برخی روایات استفاده می‌شود که فتک نهی شده عملی است که پس از امان دادن انجام شود؛ چنان‌که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که فرمودند: «الایمان قید الفتك. من آمن رجلا علی دمه فقتل، فأنا من القاتل بریء و ان كان المقتول كافرا»؛<sup>50</sup> ایمان بازدارنده از ترور است. هر کس فردی را از ریختن خونش امان دهد، اما او را بکشد من از آن قاتل بیزارم. هرچند کشته شده کافر باشد. به همین دلیل در فیض القدیر، «فتك» به «کشتن یا حمله پس از امان دادن» تعریف شده است.<sup>51</sup> بنابراین، فتک یا خشونت غیرقانونی مخالف با مقتضیات ایمان و پایبندی به شریعت الهی است؛ چنان‌که در حدیث معتبر آمده است: ابوصباح کنانی به امام صادق علیه‌السلام می‌گوید: همسایه‌ای داریم که نسبت به امیرالمؤمنین علیه‌السلام بدگویی می‌کند، اجازه قتل او را می‌دهید؟ حضرت فرمودند: آیا تو اهل این کار هستی؟ گفتم: به خدا قسم! اگر اجازه دهید در کمین او می‌نشینم؛ هنگامی که به دام افتاد، با شمشیر او را می‌کشم. حضرت فرمودند: ای ابوصباح، این کار «فتك» است و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از فتك نهی فرمودند. ای ابوصباح، قطعاً اسلام قید (عامل محدودکننده) و مانع فتك است.<sup>52</sup> تذکر: گاهی شنیده می‌شود که کسانی «مجازات اسلامی» را با «فتك» همسان می‌پندارند و تمایزی بین آن دو قایل نمی‌شوند؛ مانند مجازات «سابّ النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله» یا دستوراتی که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره کشتن برخی افراد صادر نموده‌اند. ولی با دقت در آنچه گفته شد، تفاوت این مجازات‌ها با فتك نهی شده کاملاً آشکار می‌گردد؛ چراکه: اولاً، کسی که به پیامبران الهی و به ویژه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، اهانت نماید مجرم و گناهکار است و باید بین «فتك»، که کشتن انسانی بی‌گناه است، با مجازات سبّ النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله، که مهدورالدم است و خشونت حرمی ندارد، فرق گذاشت. فلسفه این حکم نیز جلوگیری از استفاده ابزاری از شعر و وسایل فرهنگی یا رسانه‌های جمعی برای تحریک مردم بر ضدّ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و مسلمانان و در نهایت، محروم کردن شمار زیادی از مردم از هدایت‌ها و پیام‌های آسمانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌هاست. کاریکاتور، شعر و رمان در اهانت به ساحت مقدّس نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله یا سایر پیامبران يك کار ضدفرهنگی و ضد ارزشی به کمک وسایل فرهنگی و ارزشی است. ثانیاً، مجازات سبّ النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله يك خشونت قانونی و اعلام شده و علنی است، گرچه اجرای آن علنی نباشد. مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای فرمودند: آنچه‌ای که قانون خشونت را نسبت به کسی بخواهد، البته خشونت اعمال خواهد شد. قانون هم قانون است. قانون يك چیز پنهانی نیست. آن روزی که پیامبر دستور داد که آن افراد را ترور کنند، در گوش کسی نگفت، علناً گفت که هر کس هند را پیدا کرد او را بکشد، هر کس فلان بن فلان را پیدا کرد او را بکشد. امام خمینی قدس‌سره گفت: هر کس سلمان رشیدی را پیدا کرد او را بکشد. امروز هم رهبری اگر بر طبق احکام اسلام يك جا تکلیفش اقتضا کند علنی خواهد گفت، مخفیانه و در گوش نیست.<sup>53</sup> ثالثاً، قتل افرادی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور کشتن آنها را داده بود ترور نبود؛ چون نه به قصد ایجاد ترس و وحشت در بین مردم بود، و نه غافلگیرانه و نه غیر قانونی، بلکه این افراد مجرمانی بودند که دست‌رسی و محاکمه آنان میسر نبود و چنانچه حکومت اسلامی بر آنان تسلط می‌یافت، قطعاً آنان را دستگیر و محاکمه می‌کرد؛ زیرا بقای آنها موجب به خطر افتادن نظام اسلامی و مسلمانان می‌شد. رابعاً، در تمام این موارد، اذن حاکم اسلامی به طور علنی اعلام شده بود. بنابراین، خودسرانه و بر اساس هوا و هوس شخصی نبود. از این‌رو، هیچ کس حق ندارد به تشخیص خود، چنین مجازاتی را انجام دهد و اجازه حاکم اسلامی، هرچند به صورت عام باشد، در آن شرط شده است. این در حالی است که «فتك» به معنای کشتن یا مجروح ساختن بی‌گناه، طبق هوا و هوس شخصی و یا انگیزه‌های مادی و شخصی همراه با بی‌پروایی و تجاهر و به صورت غافلگیرانه است. ج. ممنوعیت اغتیال و غیله‌یکدیگر از اقدامات ضد امنیتی، که در اسلام حرام و جرم شمرده شده، «غیله» و «اغتیال» است که ماهیتی همانند فتك دارد، با این تفاوت که در غیله و اغتیال، عملیات به صورت کمین و فریب انجام می‌گیرد، به گونه‌ای که مقتول، فریفته و غافلگیر شود و قدرت بر انجام کاری نداشته باشد.<sup>54</sup> البته برخی آن را مرادف «ترور» هم دانسته‌اند.<sup>55</sup> از این‌رو، در تعریف «اغتیال» و «غیله» گفته‌اند: شیوه‌ای که کسی دیگری را فریب دهد و در موضعی مخفیانه او را به قتل برساند.<sup>56</sup> علامه حلی در تذکره الفقهاء گفته است: اگر کافر در میدان جنگ گمان برد که مسلمانان قصد دارند به وی امان دهند، در حالی که مسلمانان چنین مقصودی نداشته باشند و او با چنین گمانی تسلیم شود، روا نیست او را غیله کنند و از روی فریب بکشند.<sup>57</sup> آیا دینی که کارشناسان طراز اول او هفت قرن پیش چنین فتوایی صادر کنند، می‌تواند و یا امکان دارد از تروریسم یا از تروریست حمایت کند؟! (دقت کنید!) طرف انسان مسلمان کافر حربی و در میدان جنگ است. مسلمانان به او امان و پناه نداده‌اند، اما او چنین پدیده‌ای است و با چنین گمانی خود را تسلیم کرده، پس کشتن او نارواست و مجوّز شرعی ندارد. همین است که حتی دشمنان اسلام را مجذوب خود کرده است تا به حقانیت و تعالی آموزه‌های آن اعتراف کنند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: مؤمن نیست کسی، مگر آنکه برای دیگران آن را بپسندد که برای خود می‌پسندد.<sup>58</sup> این روح تمام مفاد حقوق بشردوستانه است؛ چنان‌که جین پیکر، حقوق‌دان سوئیسی، که در تهیه کنوانسیون ژنو مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه و پروتکل‌های یادشده مشارکت فعال داشته و شروح زیادی در این زمینه نگاشته است، می‌گوید: خواستم تمام قواعد انسان‌دوستانه بین‌المللی را در قالب جمله‌ای جامع و فراگیر تبیین نمایم. نهایت آنچه را توانستم ارائه دهم این اصل است: با دیگران آنچه‌ای کن که مایلی با تو بکنند.<sup>59</sup> مرحوم صاحب جواهر نیز می‌گوید: امان مانع اغتیال است.<sup>60</sup> از این‌رو، اگر کسی با امان وارد دارالاسلام شد جایز نیست که او را از اغتیال به قتل برسانند و در برخی روایات، حکمت تشریح «قسامه»<sup>61</sup> در باب «لوث» همین است؛ چنان‌که از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: آیا قسامه حق است؟ حضرت فرمودند: قسامه به خاطر حفظ خون افراد تشریح شده است تا اگر فاسق بخواهد کسی را به اغتیال دور از چشم مردم بکشد، از این بترسد و مانعش شود.<sup>62</sup> محکومیت عذر «عذر» یکی از عناوین مجرمانه در جنگ و عبارت است از مکر و حیل‌های که در جنگ به کار می‌برند. بدین نحو که به افرادی از دشمن امان می‌دادند تا وارد قلمروشان شوند، سپس آنها را غافلگیر نموده، به قتل می‌رسانند. شاید بتوان گفت: «عذر» ترور در میدان جنگ است؛ همان‌گونه که فقیه بزرگوار معروف صاحب جواهر می‌گوید: عذر به کفار جایز نیست، این‌گونه که پس از امان دادن آنان را به قتل برسانیم.<sup>63</sup> ایشان در علت ناروایی آن، علاوه بر ذکر برخی روایاتی شبیه آنچه در مسئله «فتك» ذکر شد، به قبح ذاتی و عقلی این کار اشاره کرده و طبق قاعده «ملازمه»، قبح شرعی آن را استنباط نموده است.<sup>64</sup> امام باقر علیه‌السلام فرمودند: هیچ کس نیست که به دیگری (دشمن) امان دهد و سپس او را بکشد، مگر آنکه روز قیامت پرچم نیرنگ حمل می‌کند.<sup>65</sup> قابل توجه است که «عذر» در ردیف خیانت به عهد و پیمان و کشتن ناجوان‌مردانه و چیزی غیر حیل‌های جنگی و تاکتیکی‌های نظامی است که در حالت اعلام وضعیت جنگی صورت می‌گیرد و شیوه‌ای عقلایی برای غلبه بر دشمن است. ه. پایبندی به تعهدات بین‌المللی یکی از راه‌های مؤثر در مقابله با اقدامات تروریستی، مشارکت در معاهدات بین‌المللی و التزام وفاداری به آنهاست. یکی از اصول حاکم در روابط بین‌المللی اسلام «وفاداری به تعهدات» است که به مقتضای «أوفوا بالعهود» (مانده: 1) و «المؤمنون عند شروطهم»<sup>66</sup> در اعتبار معاهدات بین‌المللی از دیدگاه اسلام جای تردید نمی‌ماند، جز آنکه پیمان نامشروع بوده و یا حاکم اسلامی برای اعتقاد آن، فاقد مشروعیت باشد. ولی با توجه به آنچه گذشت، اسلام خود پیش‌گام مبارزه با خشونت‌های غیرقانونی و اقدامات تروریستی است. در کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی برای مقابله با تروریسم بین‌المللی ضمن تأکید بر حق ملت‌ها در مبارزه با اشغال بیگانه و اشکال گوناگون تجاوز، از جمله مبارزه مسلحانه برای آزادسازی سرزمین‌ها و دست‌یابی به حق تعیین سرنوشت و استقلال، گفته شده است: تحرّکاتی که بر خلاف احکام دین مبین اسلام علیه کشورها

صورت می‌گیرد باید متوقف شود. همچنین بر اهمیت هماهنگی میان کشورهای عضو برای کنترل پدیده تروریسم و افراط‌گرایی تأکید می‌کند. کلیه اشکال خشونت و تروریسم مردود شناخته شده، تروریسم به عنوان نقض فاحش حقوق بشر، بخصوص حق حیات، و مانعی در راه توسعه اجتماعی - اقتصادی بوده و به هیچ وجه، قابل توجیه نیست. این کنوانسیون در سال 1378 مورد تصویب قرار گرفت. **3. جهاد اسلامی؛ دفاع مشروع** به دلایل گوناگون، از جمله تبلیغات سوء دشمنان اسلام و نیز عملکرد نادرست برخی اسلام‌نمایان - مانند «طالبان» و گروه‌های تروریستی «وهابیت» - گاهی دستورات نورانی اسلام در دفاع از خود (جهاد دفاعی) و دفاع از حقوق اساسی بشر (جهاد دعوت) مستمسک توجیه اقدامات تروریستی و کشتار افراد بی‌گناه و بمب‌گذاری‌ها، عملیات انتحاری و ایجاد ترس و وحشت در بین مردم قلمداد می‌شود که این بر خلاف روح شریعت اسلامی است. **الف. جهاد؛ خشونت مشروع در مقابله با دشمنان دشمنان** در جامعه اسلامی یا مردمان هستند یا بُغات، یا محاربان که همان راهزنان و دزدان دریایی و مفسدان در زمین و در واقع تروریست‌ها هستند و یا کفار (غیر مسلمان). در زمان صلح، کفار می‌توانند در پناه حکومت اسلامی با پیمان ذمه در صلح و امنیت به سر برند و حکومت اسلامی امنیت آنان را تضمین می‌کند. در میدان نبرد نیز اسلام با توجه به اصل «تفکیک»، کشتار غیررزمندگان، شامل کشاورزان، تاجران، بازرگانان، پیمان‌کاران و نیز اطفال، زنان، نابینایان، معلولان، راهبان و صومعه‌نشینان جایز نیست، همچنین رعایت اصل محدودیت در سه بعد زمانی - یعنی تحریم آغازگری جنگ در ماه‌های حرام (به مدت 4 ماه) - و مکانی (اماکن محترم، اعم از مسجدالحرام و اماکن مقدّس دیگر، حتی کنیسه‌ها و کلیساها) و محدودیت در شیوه لازم است. بر اساس اصل «محدودیت» مسلمانان مجاز نیستند با هر وسیله ممکن، دشمن را از پای درآورند، هر چند اقدامات دشمن خلاف کرامت انسانی باشد. نیز از به کارگیری سلاح‌های جنگی یا مواد سمّی و میکروبی و سوزاندن دشمن، چه در حال حیات و چه پس از مرگ، قطع اشجار و ایجاد حریق در کشتزارها و قطع آب آشامیدنی معانعت می‌کند. **6Z** پس ممکن نیست با اقدامات کور و بی‌منطق تروریستی موافقت داشته باشد. **ب. نادرستی تروریسم دینی در اسلام** خداوند متعال بین دفاع مشروع به عنوان یک خشونت قانونی با تجاوزگری و تروریسم فرق می‌گذارد؛ همچنانکه اجرای مجازات اسلامی نوعی اقدام قانونی و متفاوت با تروریسم است. به عبارت دیگر، «ترور» یعنی کاربرد خشونت که به گونه‌ای غیرمشروع و خارج از چارچوب قانون، برای به سلطه درآوردن دیگران به کار می‌رود. برخی از گونه‌های تروریسم عبارتند از: **الف. تروریسم دولتی**؛ **ب. تروریسم دینی**؛ یعنی تروری که ادعا می‌شود زمینه‌ساز آن دین است؛ مانند کشتار کاتولیک‌ها علیه پروتستان‌ها و یا وهابیت علیه شیعیان و یا بعکس. **ج. تروریسم جنایی**؛ مانند اعمال تروریستی مافیاء؛ **د. تروریسم علیل** یا برخاسته از بیماری‌های روانی از سوی کسانی که دچار نوعی بیماری روانی هستند و برای جلب توجه جهانیان به کشتن رئیس جمهور و مقامات بلندمرتبه یا گروگان گرفتن یک اتوبوس یا هواپیماری می‌پردازند. **ه. تروریسم گروه‌های معرض** یا گروه‌های خاص؛ مانند سرخ‌پوستان، ویتنامی‌ها، الجزایری‌ها و فلسطینی‌ها. خشونت قانونی در اسلام، منحصر در سه امر است و همه این سه نیز ضابطه‌مند و با رعایت مقررات خاصی صورت می‌گیرد: **1. مجازات قانونی**؛ مانند قصاص و یا در قالب حدود و تعزیرات؛ **2. امر به معروف و نهی از منکر** که احیاناً به حدّ ضرب و جرح و یا قتل نیز می‌رسد، اما در بالاتر از حدّ زبانی و در کوچک‌ترین حدّ خشونت، نیازمند اجازه حاکم شرع و رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر و نه از روی خودسری است. **3. دفاع مشروع** به تناسب آنچه در دفاع ضرورت دارد؛ چنانکه خدای متعال می‌فرماید: «وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا قَمَنَ عَقَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ وَ لَمَنْ أَنْصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (شوری: 40-42) فلسطینیان در سال 1948 به خاطر ظلم دولت انگلستان و صهیونیست‌ها آواره شدند. آنها بین سال‌های 1948 تا 1965 به تمام دادگاه‌های جهان مراجعه کردند و در هر خانه‌ای را زدند، اما در عوض، به آنها گفته شد: از خانه‌های خود تبعید شده‌اید؛ چون یکی از ایستگاه‌های پخش برنامه در کشورهای عربی از آنان خواسته بود تا سرزمین و کاشانه خود را رها کنند. و این ظلمی آشکار بود. هیچ‌کس به اعتراض فلسطینیان توجه نکرد. از این رو، برای دفاع از سرزمین خود و بازداري اسرائیل اشغالگر و متجاوز، دست به خشونت زدند. به یاد آورید که در سال 1970 خانم گلد مایر، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، به صراحت بیان کرد: مردمی به نام فلسطین وجود ندارد! **68** از دیدگاه اسلام، هیچ‌یک از اقسام تروریسم و به طور کلی خشونت، جایز نیست، جز آنکه قانونمند و در دفاع از خویش و ارزش‌های دینی، اما ضابطه‌مند، بدون خودسری و با انگیزه‌های مشروع صورت پذیرد که در آن صورت نمی‌توان آن را مصداق تروریسم دانست. **ج. مبارزه اسلام با ریشه‌های پیدایش تروریسم** مبارزه با تروریسم، معمولاً نظام‌های حقوقی و سیاسی دنیا از روی ناچاری و آن هم در حدّ مبارزه با معلول‌ها پیش رفته‌اند. به نظر می‌رسد اسلام در این زمینه نیز بسیار متعالی‌تر و مترقی‌تر حرکت کرده است؛ زیرا اولاً، با آگاهی و بصیرت و از روی علاقه به صلح و امنیت پایدار، به عنوان پیش شرط ایجاد یک جامعه ایده‌آل و ثانیاً، با ریشه‌های تروریسم به مبارزه برخاسته است. کمیته ویژه سازمان ملل متحد در خصوص تروریسم، که به منظور شناسایی تخصصی عوامل بنیادین و اصلی شکل‌گیری تروریسم به وجود آمده است، پس از انجام تحقیق و تفحص، اصلی‌ترین علل پیدایش تروریسم را چنین بیان کرد: **1. استفاده از زور بر خلاف منشور سازمان ملل متحد**؛ **2. تجاوز به استقلال سیاسی، حاکمیت و یک‌پارچگی سرزمینی کشورها**؛ **3. 4. نژادپرستی و استعمار**؛ **5. نابرابری و توسعه ناهماهنگ میان کشورهای شمال و جنوب** با کشورهای در حال توسعه؛ **6. بی‌عدالتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی**، اصولاً تفکر لیبرال یا عدالت را برنمی‌تابد و به نام «مالکیت فردی» بر طبل آزادی می‌کوبد، و بر فرض پذیرش عدالت، به عدالت معاوضی اکتفا می‌کند. اما اسلام ضمن معتبر دانستن عدالت معاوضی، بر عدالت توزیعی و ایجاد فرصت‌های برابر و زمینه‌سازی برای شکوفایی همه استعدادها تأکید می‌ورزد. **7. نقض گسترده و نظام‌مند حقوق بشر**؛ **8. گرسنگی، قحطی و فقر** و مانند آن. اسلام با همه این عوامل مخالف بوده و برای هر یک راه‌کارهایی ارائه داده است. **نتیجه‌گیری** تعریف روشن و پذیرفته شده‌ای از «ترور» و «تروریسم» وجود ندارد، گرچه درباره برخی مصادیق واژگان و عناصر آن تا حدی اتفاق نظر وجود دارد. چنانچه ترور را به «کاربرد خشونت غیرقانونی برای اهداف ناروا و عمدتاً سیاسی به قصد ایجاد رعب و وحشت عمومی در میان مردم و به شیوه غافلگیرانه و خودسرانه» تعریف کنیم، هم در حقوق بین‌الملل و هم فقه و حقوق اسلامی نامشروع و محکوم است. اما ریشه بسیاری از اختلافات، موضع‌گیری‌های سیاسی است. به هر صورت خشونت قانونی، مجازات مجرمان و یا دفاع مشروع در راستای حق تعیین سرنوشت و یا مقابله با اهانت‌کنندگان به انبیاء و ارزش‌های دینی، بیرون از مفهوم ترور است. **1. Malcolm Shaw, International Law, P. 1051. عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی تهران، امیرکبیر، 1377، ج سوم، ج 3 (حقوق بین‌الملل اسلام)، ص 3. 425. موریس فلوری، «مبارزه با تروریسم از رهگذر حقوق بین‌الملل»، ترجمه سید قاسم زمانی، راهبرد 21 پاییز 1380، ص 125. 4. 126. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1361، ذیل واژه «ترور». **5. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید تهران، امیرکبیر، 1367، ص 431. 6. James lodge, Terrorism a challenge to the state (Oxford, Martin Robertson, 1981), p. 5. Z. Thomas P. Thornton, Terror as a weapon of political agitation, in international war, ed. by H. Eckstein (NewYork, : Free Press. 1961, p.71-99. 8. Lester A. Sobel, political Terrorism (NewYork, Facts on file, 1975), p 3-12. 9. Robert A. Frakl Lander, Terrorism and the Law: What Price Safety? (Gaitbersburg, MD, LACP, 1981), p. 3. 10. M. Bassiouni, International Terrorism and Political, Crimes (New York and London, Macmillan, 1986), p. 55. 11. Paul Witkinson, Terrorism and the Liberal State; 2nd ed. (London, Macmillan, 1986), p. xiv. 12. publication. موریس فلوری، پیشین، ص 123. 13. همان، ص 125. 14. 126. همان، ص 126. 15. سید محمود شاهرودی، همایش «تروریسم و دفاع مشروع از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل»، نگاه 36 بهمن 1380، ص 13. 16. عباسعلی عمید زنجانی، پیشین، ص 17. 426. همان، ص 426. 18. 427. همان، ص 19. 425. همان. **20. سید محمود هاشمی، پیشین، ص 21. 13. همان. 22. ر. ک. سیدابراهیم حسینی، اصل منع توسل به زور و موارد استثنای آن در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر قم، معارف، 1382، ص 185 و 205. 23. 206. جعفر******

کوشا، همایش «تروریسم و دفاع مشروع از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل»، **پگاه 13** خرداد 1380، ص 12-13، 24-13. عباسعلی عمیدزنجانی، پیشین، ص 426-425-427. جمشید ممتاز، همایش «تروریسم و دفاع مشروع از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل»، **پگاه 13** خرداد 1380، ص 26-13. Dona M. Schlagheck, *Internatinal*, p.1-9-27. *Terrorism, an Introduction to the Concepts and Actors* (New York, Free press, 1987), p.1-9-27. **نهج‌البلاغه**، تنظیم صبحی صالح تهران، منشورات دارالهجره، 1412، ط. الخامسة، ن 47، ص 69-31، 69-70. بقره: 32-30. عنکبوت: 33-69. عبدالمهدی عبدالقادر، عبدالهادی، **الارهاب العالمی: من یصنعه و من یمنعه** بیروت، مؤسسة العربية الحديثة، بی‌تا، ص 34-165. سید مصطفی محقق داماد، «تدوین حقوق بشردوستانه بین‌المللی و مفهوم اسلامی آن»، **تحقیقات حقوقی 18** تابستان 1375، ص 190، به نقل از: شمس‌الدین سرخسی، **شرح سیرالکبیر سرخسی**، 35- محمدبن حسن طوسی، **النهاية فی مجرّد الفقه والفتاوی** تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1365، ص 36-720. امام خمینی، **تحریر الوسیله** تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، ج 2، ص 37-492. شیخ طوسی، پیشین، ص 38-270. امام خمینی، پیشین، ج 2، ص 39-492. امام خمینی، پیشین، ج 1، ص 40-487. عباسعلی عمید زنجانی، پیشین، ص 41-428. **نهج‌البلاغه**، ن 47، ص 42-421. مانده: 43-32. **نهج‌البلاغه**، ن 25، ص 44-381. ابن اثیر، **النهاية فی غریب الحدیث و الاثر** بیروت، دارالتفسیر، بی‌تا، ج 2، ص 45-409. چنان‌که در **القاموس المحيط** ج 3، ص 315 و در **لسان العرب** (ج 2، ص 472) آمده است: «الفتک رکوب ما همّ من الامور و دعت الیه نفس» و در **العین** (ص 616) درباره فاتک آمده است: «الذی یرتکب ما تدعوه الیه نفسه من الجنایات.» 46- ابن منظور، **لسان العرب** بیروت، ادب الحوزه، 1405، ج 10، ص 473-473. همان، ج 10، ص 48-472. شریف رضی، **المجازات النبویه** قاهره، مؤسسة الحلبي و شرکاء، 1967، ص 329، ج 289-49. همان، 50- السید شریف المرتضی علم‌الهدی، **تنزیه الانبیاء** تهران، مدرسه عالی شهید مطهری، 1381، ص 51-176. عبدالرؤف المنادی، **فیض‌القدیر فی شرح الجامع الصغیر** بیروت، مکتبة التراث الاسلامی، بی‌تا، ج 3، ص 142، ج 3098-52. محمدبن یعقوب کلینی، **الکافی** تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، ج 7، ص 53-375. روزنامه **رسالت**، 28 فروردین 1379، ص 54-13. در **لسان العرب**، ج 10، ص 473 آمده است: «والغیله: ان یخدع الرجل حتی یخرج به الی موضع یخفی فیه امره ثمّ یقتله.» و در **الفائق فی غریب الحدیث**، ج 3، ص 6 آمده است: «الفصل بین الفتک والغیله ان الفتک هو ان تهتبل عزته فتقتله جهارا و الغیله ان تکتمن فی موضع فتقتله خفیه.» 55- جواد کوشا، **تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل** تهران، مرکز مطالعات توسعه قضایی، 1386، ص 56-182. ابن اثیر، پیشین، ج 3، واژه «غیل»، ص 57-403. حسن‌بن یوسف حلّی، **تذکره الفقها** قم، مؤسسة آل‌البیت، 1414، ج 1، ص 58-415. محمد محمدی ری‌شهری، **میزان الحکمة** قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1362، ج 1، ص 214، به نقل از: **کنز‌العمّال**، ج 99-59. سید مصطفی محقق داماد، پیشین، ص 60-209. محمدحسن نجفی، **جواهر الکلام** بیروت، دارالتعاریف، بی‌تا، ج 21، ص 61-276. همان، ص 276. «قسامه» در اصطلاح فقهی و حقوقی، به مجموعه قسم‌هایی گفته می‌شود که در دعوی فصاص با وجود لوث به دستور قاضی، متوجه مدعی دعوی می‌گردد. ر.ک. محمدجعفر جعفری لنگرودی، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق** تهران، کتابخانه گنج دانش، 1378، ج 4، ص 2912، ذیل واژه «قسامه» 62- محمدبن یعقوب کلینی، پیشین، ج 7، ص 63-261. محمدحسن نجفی، پیشین، ص 64-78. همان، 65- شیخ صدوق، **من لایحضره الفقیه** قم، جامعه مدرسین، 1413، ج سوم، ص 3، ص 969، ج 66-4943. روایت مشهور نبوی، ر.ک. شیخ طوسی، پیشین، ج 7، ص 67-371. شمس‌الدین سرخسی، پیشین، ص 68-190. روزه گارودی، **پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی**، ترجمه نسرین حکمی تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1369، ص 38. **سید**

ابراهیم حسینی

(دانش‌آموخته حوزه علمیه و کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل)